ایران

مسیری که رضا رمضانی را به «آقای ویلچر» تبدیل کرد

داستان ویلچر؛ از گرگان تا هرمز

یوسف حیدری
گزارش نویس

همه چیز از آسایشگاه کهریزک شروع شد. انگار قرار بود مسیر زندگی‌اش آنجا عوض شود و در مسیر بهبود وضعیت زنان و مردان سالخورده‌ای قدم بردارد که دنیای‌شان همان چاردیواری آسایشگاه است: «دانشجو بودم و دوست داشتم جای خالی فرزندان آنها را حتی برای یک لحظه هم که شده پر کنم. به پیرمردی برخوردم که تنها خواسته‌اش ویلچر بود. می‌گفت اگر ویلچر مناسب داشته باشم می‌توانم بروم حیاط و دلم باز شود. شماره پسرش را داد تماس بگیرم. جواب نداد و آخر سر تلفن را قطع کرد. همان جا تصمیم گرفتم هرطور شده برایش ویلچر تهیه کنم. اولین پست در صفحه اینستاگرامم درخواست برای خرید ویلچر بود. یک ماه طول کشید تا مبلغ ۸۰۰ هزار تومان برای خرید ویلچر جمع شد. لحظه‌ای که ویلچر را به پیرمرد دادم برق خوشحالی را در چشمان کم رمقش دیدم. همین لبخند و خوشحالی باعث شد این راه را ادامه دهم و الان سال‌هاست در نقاط مختلف کشور با کمک مردم، ویلچر به دست افراد معلول می‌رسانم و خوشحالم. به من آقای ویلچر می‌گویند و این یعنی وظیفه‌ام نسبت به قبل سنگین‌تر شده.»

در مسیر بازگشت به خانه با او همکلام می‌شوم. نیت کرده بود ۵ خانواده نیازمند را که جایی برای زندگی نداشتند صاحب خانه کند و حالا این مأموریت را هم به پایان رسانده است. رضا رمضانی ۲۸ سال دارد و زندگی‌اش را وقف کمک به معلولان کرده است. آقای ویلچر می‌گوید: «این ظلم بزرگی است که یک انسان به‌دلیل نداشتن ویلچر روزها در خانه حبس باشد. ویلچر برای فرد معلول حکم پای او را دارد. در این روزهای کرونایی که خیلی از ما در خانه حبس شدیم این را بیشتر احساس می‌کنیم؛ وقتی دوست داریم از خانه بیرون بزنیم اما به‌دلیل شرایط مجبوریم در خانه بمانیم. در جامعه، معلولانی داریم که سال‌هاست روی تخت افتاده‌اند و توانی برای بیرون رفتن از خانه ندارند. معلولانی را دیده‌ام که چندین سال است به‌خاطر معلولیت، خانه‌نشین شده‌اند و تنها آرزوی‌شان این است که برای چند ساعتی بتوانند در کوچه و خیابان باشند و آدم‌ها را از نزدیک ببینند. سال ۹۶ که دانشجوی دانشگاه یادگار امام(ره) بودم در آسایشگاه کهریزک پیرمردی از من خواست تا با پسرش تماس بگیرم و بخواهم برایش ویلچر بخرد اما پسرش تلفن را قطع کرد. دلم شکست و تصمیم گرفتم با کمک مردم برای او ویلچر بخرم. این آغاز راه بود و نذر کردم برای هزار معلول ویلچر تهیه کنم. موضوع را در فضای مجازی با مردم در میان گذاشتم و موفق شدم هزار نفر را صاحب ویلچر کنم.»

رضا به همه شهرهای کشور سفر کرده تا از نزدیک ویلچر اهدایی مردم را به دست افراد نیازمند برساند. برای اعتماد مردم هم اهدای ویلچر را مستندسازی و منتشر می‌کند. امروز وقتی درخواست تهیه ویلچر را در صفحه اینستاگرام منتشر می‌کند کمتر از ۵دقیقه هزینه خرید را برای او واریز می‌کنند: «مردم ایران مهربان و عاشق کمک به همنوع هستند. این را من با همه وجود لمس می‌کنم. روزهای اول وقتی از آرزویم که تهیه ویلچر برای معلولان بود گفتم، خیلی از مردم برای کمک اعلام آمادگی کردند. با مبالغ ۱۰ و ۲۰ هزار تومان شروع کردم. یک سرباز وظیفه که از نیت من خبردار شده بود ۵ هزار تومان کمک کرد که این پول واقعاً برای من ارزش داشت.

آن روزها آمار کسانی را که به ویلچر نیاز داشتند از بهزیستی می‌گرفتم و برای‌شان ویلچر می‌بردم. بعد از مدتی در صفحه شخصی‌ام از مردم خواستم اگر کسانی را می‌شناسند که نیاز به ویلچر دارند، معرفی کنند. با چند نفر از دوستانم تیم تحقیق تشکیل دادیم و حالا بعد از بررسی درخواست‌ها، ویلچر را به دست کسانی که نیاز دارند می‌رسانیم. برای جلب اعتماد کسانی هم که کمک می‌کنند - از شروع کار تا لحظه‌ای که ویلچر را به دست شخص نیازمند می‌رسانیم - شفاف‌سازی می‌کنم و فیلمش را با اجازه از کسانی که ویلچر می‌گیرند منتشر می‌کنم. جوانان زیادی با من همکاری می‌کنند و در هر شهر یک نماینده دارم. ویلچرها را برای آنها می‌فرستم تا به دست کسانی که نیاز دارند و مورد تأیید هستند برسانند. در همه مراحل هم مستندسازی می‌شود. ویلچرهای اهدایی تولید داخل هستند و آنها را از یک کارخانه بزرگ ویلچرسازی تهیه می‌کنم. مدیر کارخانه وقتی متوجه نیت ما از خرید ویلچر شد تخفیف خوبی داد.»

> هدف من امید دادن به کسانی است که به خاطر نداشتن ویلچر مناسب با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. هزار ویلچر به دست افراد نیازمند رسانده‌ام و خاطرات خوبی در دل من ثبت شده است. روزی را که با قایق ۶ ویلچر برای معلولان به جزیره هرمز بردیم یا رساندن ویلچر به مادر دستفروش و کمک به دو جوان نابینای دستفروش در گرگان که وسایل‌شان سرقت شده بود و... همه برای من خاطرات خوبی هستند که فراموش نمی‌کنم

در کنار ویلچر، تهیه پای مصنوعی برای معلولان و تهیه مسکن برای کسانی که سرپناه ندارند از جمله کارهای دیگری است که رضا و دوستانش انجام می‌دهند البته در این راه با سختی‌ها و مشکلات زیادی هم مواجه شده‌اند: «معلولانی هستند که تأمین هزینه پای مصنوعی برای آنها سخت است درحالی که با پای مصنوعی می‌توانند راه بروند و امید به زندگی پیدا کنند. در این مدت علاوه بر ویلچر، تعداد زیادی از معلولانی را که نیاز به پای مصنوعی داشتند شناسایی و برای آنها پای مصنوعی تهیه کردیم. علاوه بر آن برای ۵ خانواده که سرپناهی نداشتند خانه گرفتیم. ماجرای خانه‌دار شدن آنها هم به شب آرزوها برمی‌گردد. آن شب باران شدیدی می‌بارید. در یکی از خیابان‌ها صاحبخانه، اثاثیه مستأجر را بیرون ریخته بود و خانواده آن شب کنار اثاثیه‌شان نشسته بودند. این صحنه خیلی ناراحت کننده بود. در صفحه‌ام نوشتم باران قشنگ است اما برای این خانواده زیبایی ندارد. تصمیم گرفتم علاوه بر این خانواده برای ۵ خانواده دیگر سرپناه تهیه کنم. خوشبختانه با کمک مردم ودیعه مسکن آنها تهیه شد و توانستم برای همه این خانواده‌ها خانه رهن کنم. در این میان نیز برای آنهایی که وسایل زندگی مناسبی نداشتند وسیله خریدیم. همه مراحل تهیه خانه و اثاث کشی را هم مستندسازی و کلید خانه را تقدیم‌شان کردم، البته ادامه این راه، سخت و دشوار است چون سطح توقع‌ها بالا می‌رود و در حد توان مردم نیست که بتوانند هزینه‌های چند ده میلیونی ودیعه مسکن را تأمین کنند ولی ممکن است در ماه مبارک رمضان موضوع خانه‌دار کردن افراد نیازمند را دوباره پیگیری کنم.»

انجام هر کار خیر با مشکلات و موانع زیادی مواجه می‌شود. از حرف های دلسردکننده تا تهمت‌ها. رضا با بیان اینکه اعتماد مردم بزرگترین سرمایه زندگی اوست، می‌گوید: «در طول این سال‌ها گاهی اوقات حرف ها و تهمت‌هایی می‌شنوم که دلسردکننده است اما سعی کرده‌ام بگذرم چون هدف من امید دادن به زندگی کسانی است که به خاطر نداشتن ویلچر مناسب با مشکلات زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. هزار ویلچر به دست افراد نیازمند رسانده‌ام و خاطرات خوبی در دل من ثبت شده است. روزی که با قایق ۶ ویلچر برای معلولان به جزیره هرمز بردیم یا رساندن ویلچر به مادر دستفروش و کمک به دو جوان نابینای دستفروش در گرگان که وسایل‌شان سرقت شده بود و... همه برای من خاطرات خوبی هستند که فراموش نمی‌کنم. تعدادی از این ماجراها را هم به شکل دوربین مخفی ضبط کردم تا مردم حس واقعی کسی را که ویلچر می‌گیرد لمس کنند. دوست دارم دوباره با کمک مردم به هزار معلول نیازمند دیگر ویلچر اهدا کنم. این بار با یک سبک جدید و ساخت کلیپی شاد که پایان آن با اهدای ویلچر باشد.»

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۶۹۴

آسان

	۱	۷		۹	۶			۴
			۵	۴		۳	۹	
		۵	۷					
				۷		۴	۱	۶
					۵	۹		۳
				۳				
۶	۲	۱		۳				
				۴	۷			
۱	۶	۳		۵	۸			

متوسط

۸				۷		۹		۵
			۶				۷	
			۵	۸	۴			۳
		۶						
۱		۷	۶	۴	۸	۵		۲
						۴		
۹			۷	۱	۲			
	۸			۵				
۷		۲		۳				۴

سخت

۴					۲	۳		۶
	۷		۹					
		۸			۱			۴
۸	۹						۱	
		۶				۷		
	۱						۵	۲
۱			۲			۹		
					۷		۲	
۵		۹	۴					۷

خیلی سخت

		۵		۶		۱		
				۸	۹		۵	۳
	۲			۴				
								۷
۵		۹		۷		۳		۶
۳								
			۳				۶	
۲	۱		۵	۹				
		۴		۲		۷		

حل جدول سودوکو شماره ۳۶۹۴

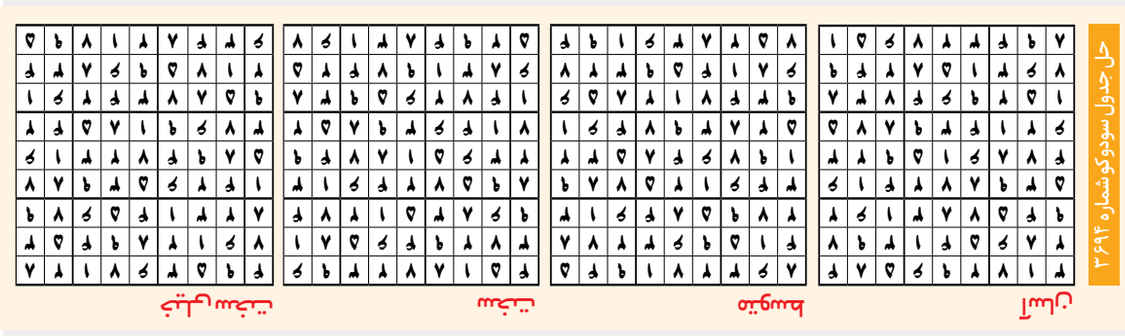

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۶۶۱

جدول عادی

افقی:
۱- پیش غذای خوشمزه و پرطرفدار- خاک نرم
۲- مقام معتبر- صورتک- سالن جشن عروسی
۳- اقامتگاه شاه- باوقار- مقابل «واجد»
۴- عقیده انتخاباتی- پرحرفی- زبانه آتش- مربوط به تعداداست
۵- طول بدن- نوعی گیره مو- ضد لاغری!
۶- فست فود کش دار!- تندرست- همراه «خاشاک»
۷- شیرازه بند- دسرسنتی ایرانی- فرزند فرزند
۸- گزارش- کلام پرسش- جریب
۹- کمیت- بزرگ‌ترین نوآور تمام دوران‌ها- خوراکی شیرین صبحانه
۱۰- همراه غم!- ابزاری در باغبانی- پیش پرداخت
۱۱- حرف یونانی- دودلی- قبل از IT انگلیسی
۱۲- گود- از توابع «ساوجبلاغ»- ضمیر چهارم- تلمبه
۱۳- سهل- معلم به انگلیسی- میدان جنگ و نمایش
۱۴- زنگ بزرگ کلیسا- کشوری در «آفریقای مرکزی»- سرزمین
۱۵- شهر پینوکیو- مدافع سابق تیم ملی و سرپرست فعلی «پرسپولیس»

عمودی:
۱- کارگردان فیلم «چشم و گوش بسته»- خاموش
۲- غذای تبریزی- مترجم انجیل به آلمانی- بی‌وفا و خائن
۳- آشپز و طبخ کننده- پرسش- وحشت
۴- جاری درگ- توانگری- عدد عنقا- سربی مو
۵- از مردم هرات- پیدا کردن- نت منفی
۶- پنهان کردن- یک رده‌بندی برای بازی‌های رایانه‌ای- پول ریختن به حساب
۷- اجرت- عنکبوت- اندک و کم
۸- مرکز «مالت»- لقب انگلیسی- آنچه بر اثر پرشدن ظرفی بیرون بریزد
۹- محصول نخل- اتحادیه کارگری- رود مرزی
۱۰- اگرچه- نرخ رسمی- قلیل
۱۱- دختر- بخت برگشتگی- دارای ابهام
۱۲- خروس مازنی- آخرین یک رقمی- معطر- تیر یقه‌نشین
۱۳- کارعبث- سازمان فضایی- فراهم
۱۴- بهترین دوست- بلندقد- فرشته مغضوب
۱۵- راه شن‌ریزی شده- بازیگر فیلم «چهل وهفت»

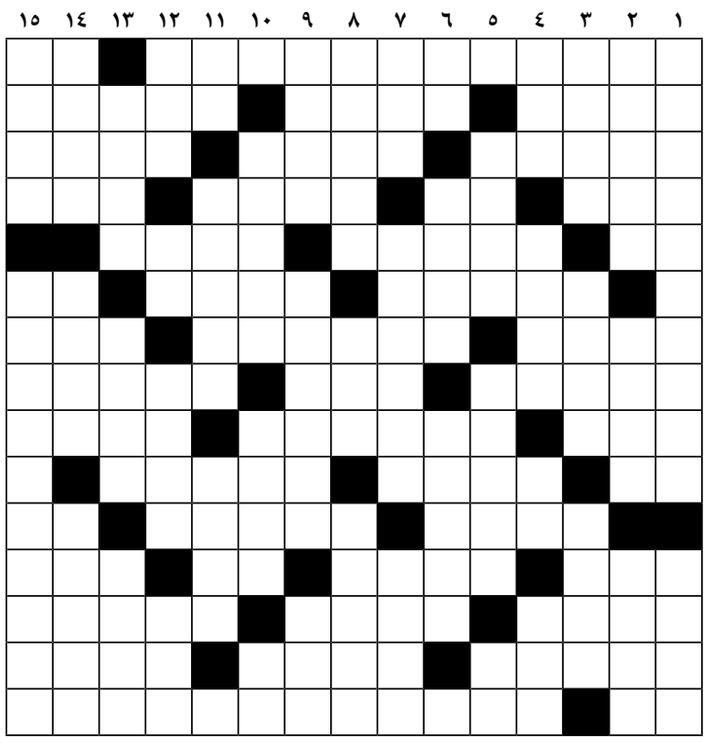

حل جدول عادی شماره ۷۶۶۰

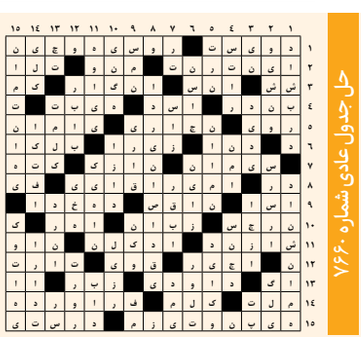

جدول ویژه

افقی:
۱- آلبومی از «فرهاد جواهر کلام»- آب مایه دباغی
۲- گل همیشه بهار- قیصر- فروزش
۳- شعله- غذای برگی!- مسافر سرزمین عجایب!
۴- الی آخر- حرف مفعولی- ستاره- هریک از دو ظرف ترازو
۵- ماه کم حرف- از درختان- جنس برخی از ظروف آشپزخانه
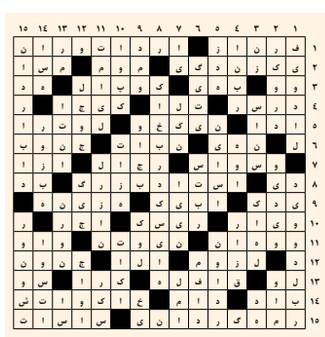
حل جدول ویژه شماره ۷۶۶۰